مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

محمد صالح گردش 02/25/2023

درنگی به ریشه واژۀ غور *

غور نام ولایتی است که در مرکز کشور ما قرار دارد. این اسم یکی از کلمات کهن و با قدامت تاریخ مردمان این سرزمین است. پیش از آنکه به ریشه یابی این کلمه بپردازیم به طور فشرده تحقیقات قبلی را در راستای کلمه غور بیان می داریم:

تعدادی از محققان این کلمه های مرادف غرج، غرچ، غرش و بلاخره غر کلمه پشتو را که همه برگرفته از ریشه کلمه «گر» و بلاخره «گئیری» اوستایی است و معنای کوه را می دهد، به اسم غور ربط می دهند و عقیده دارند که آریایی ها بعد از مهاجرت از نواحی بلخ به صوب جنوب آمدند و از اینکه مسکن جدید ایشان کوهستانی بود آنرا غور یاد کردند که در دری معنی کوه را افاده می کند.(1) در جغرافیای قدیم سرزمین ما غرجستان سرزمینی بوده غیر از سرزمین غور، چنانکه در تاریخ سیستان آمده است: «در اطراف غور عمل هرات قرار گرفته از آنجا به سوی فره و از فره به یلدی داور و از یلدی داور به رباط کروان و از رباط کروان به غرج الشار و از آنجا به هرات» (2)

یاقوت نیز در رابطه غرجستان می گوید: «غرجستان همان غرچ الشار است و غرچ عبارت از کوه ها و شار عبارت از ملک است و تفسیر آن جبال الملک می باشد. (3)

بنابراین غرجستان (غرچ الشار) سرزمینی بوده غیر از سرزمین غور و نام آن سرزمین ریشه به کلمه «گر» پهلوی و «گئیری» اوستایی دارد. در هشت فقره نخست زامیادیشت کلمه گری(گئیری) از برای کوه استعمال گردیده که در پهلوی گر گویند.(4) همینگونه یکبار در فقرۀ 3 زامیادیشت از برای کوه، کئوف استعمال شده است. این کلمه در جزو لغات مرکبه به معنی کوهه نیز آمده مثل سئنی کئوف که در فقرۀ 13 ارت یشت از برای شتر استعمال شده یعنی شتر بلند کوهان (5)

کلمۀ گئیری اوستایی به شکل «گیرو» هنوز در زبان ایماقها موجود است. ایماقها قله بلند کوه را که مانع تابش نور خورشید شود، گیرو می گویند. این کلمه با بار معنایی خود با واژۀ «گیرا» همسان به نظر می رسد زیرا قله نه تنها اینکه مانع تابش نور به آن طرف می شود، بلکه نسبت کمی اکسیجن گاهی سبب از پا افتادن و گیر ماندن انسانها نیز می گردد.

کلمۀ کوه که در اوستا به شکل کئوف آمده است، در زبان ایماقها و دیگر دری زبانان یک سلسله برآمدگی های که دارای پستی و بلندی های زیاد باشد، کوه هست. مانند: کوه بابا، کوه البرز، کوه هندوکش و ...اما نقطۀ بلند و قلۀ کوه که سبب گیرندگی می شود، گرو یا گیرو است. در صورتیکه معنای کلمات کوه و گئیری را به این شکل تفکیک نمائیم، در فرهنگ های زبان پارسی کلمۀ گر به طور نادرست کوه معنا گردیده است. اما کلمات کوه و گر از یک نگاه دیگر دارای بار معنایی واحدی می باشند: «کوت» کلمۀ باستانی و «کوی» کلمۀ پارسی که هر دو ریشه به کلمۀ کوه دارند، معنای جای و محل را می دهند مثلاً آمران کوت، نغاره کوت، کاکا کوت وغیره. کلمۀ کوت در ضمن این بار معنایی، اشاره به بلندی نیز دارد مثلاً کوت گندم و کوت جواری، که در ضمن نشان دهی محل گندم و جو، اشاره ایست به محل بلندی که از گندم و جو پدید آمده است. «کوتی» که عمارت را گویند در ضمن اشاره به محل بلند است و هم در زبان هندی که «گر» خانه را می گویند، به یقین که در زبان آریایی ها اشاره به محل بلند بوده است؛زیرا خانه و منزل از سطح زمین بلندتر قرار دارد و به این طریق دو کلمۀ گر و کوه از لحاظ معنایی با هم پیوند می خورند. اما کلمه و اسم غور ریشه به کلمۀ گر نخواهد داشت. این کلمه در یک مورد در بین دری زبانان استعمال می گردد. مثلاً وقتی پسری به سن بلوغ می رسد در ضمن تغییر و تحولات جسمی، صدایش نیز تغییر می کند و می گویند: «صدایش غور شده است.» غور شدن تنها معنای بلند شدن صدا را نمی دهد، بلکه معنای پهن شدن و لُک شدن را نیز می رساند و به طور اشاره مفهوم بزرگ شدن در همه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ابعاد را در برمی گیرد. بنابراین احتمال دارد که کلمۀ غور شکل تغییر یافتۀ جزء اول کلمۀ ترکیبی «هورمزد» (اهورامزدا) خدای یگانه و طرف پرستش زردشتیان بوده باشد. همچنان کلمۀ هور نامی است از نامهای آفتاب.

به قول پورداود: «اهورامزدا نامی که به خدای یگانه زردشت داده شده لفظاً به معنی سرور دانا یا خداوندگار آگاه. اهورا Ahuraکه مادینه آن اهورانی آمده بمعنی سر و سرور و بزرگ، جداگانه در اوستا بکار رفته» (6) همینگونه به قول موصوف: « آنچنان که میدانیم در آیین زردشت در سرود هایی که از او به نام گاتها بجای مانده این خداوندگار را به دو نام مزدا و اهورا خوانده است و هماره واژۀ مزدا به واژۀ اهورا پیشی گرفته»(7)

به این شکل کلمۀ اهورا (هور) بزرگ معنا می دهد و کلمۀ غور بنا به ادعای ما شکل تغییر یافتۀ کلمۀ هور است، چنانکه در هیأت تلخیص اسم اهورامزدا (هور مزد) و بنابراین اسم غور را که نام ولایتی در مرکز سرزمین ماست، می شود سرزمین بزرگ تعبیر نمود.

کلمۀ هور که در ترکیب کلمۀ هورشید(خورشید) موجود است، می توان معنای زیبا را نیز به این کلمه افزود. در زبان عربی کلمۀ «حور» را سیاه چشم معنا می کنند و این کلمه در زبان دری معنای زیبا را می رساند. این کلمه با معنایی که در زبان پارسی دری دارد ریشه به اصل کلمه عربی حور نخواهد داشت، بلکه این کلمه ریشه به کلمۀ هور دارد؛اما نمی دانم که چرا در فرهنگهای پارسی این کلمه با حرف«ح» نوشته شده است؟

کلمۀ «هور» همانست که به اسم های اقوام کشور ما چون: اورمولی، اوریا خیل(قوم پشتون) و اورتوپلاقی(قوم ایماق) تا هنوز ریشه دارد. از آنجاییکه در اوستا کوه به شکل کئوف آمده است، می شود تا اسم کوفه (شهری در عراق) را از همان ریشه دانست.

مآخذ:

*گردش، محمد صالح. واژۀ افغان و سرزمین سلیمان. مزارشریف: جاده بیهقی، مطبعۀ سید هاشم، بهار 1385 خورشیدی. صص4-1
1-جمهوری دموکراتیک افغانستان، اتلس محلات افغانستان. ولایت غور(27) ادارۀ مرکزی احصائیه، 1364 خورشیدی.
2-دهخدا، لغت نامه. تهران: اسفند ماه 1335 خورشیدی
3-همان اثر، همانجا.
4- پورداود، یشت ها جلد 2، اساطیر: 1337، ص208
5- همان اثر، همانجا.
6-پورداود. اناهیتا «پنجاه گفتار پورداود» انتشارات امیرکبیر. ص420
7-همان اثر، همانجا.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ